چالش های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی

مهدی صالحی[1]

فرزانه نصیرزاده[2]

وهاب رستمی[3]

چکیده

نتایج تحقیقات متعدد داخلی و خارجی در سنوات اخیر نشان دهنده این واقعیت است که کارکرد سیستم کنونی آموزشی حسابداری متناسب با نیازهای بازارهای پیچیده کسب وکار امروزی نیست و تحقیق حاضر برای ردیابی عمده موارد کاستی آموزشی به وجود آورنده شکاف بین نیازهای بازار کار و تحصیلات دانشگاهی کشورمان انجام شده است. با توجه به ماهیت تحقیق پرسشنامه مناسبی حاوی سوالاتی درباره برداشت پاسخ دهندگان درباره وضعیت فعلی پنج حوزه به وجود آورنده فاصله میان آموزش های دانشگاهی و نیازهای بازار کار، میان دو گروه عمده درگیر در این بررسی شامل شاغلین حرفه (حسابداران، حسابرسان) و جامعه دانشگاهی (مدرسین ودانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی حسابداری) توزیع گردید. بعد از جمع آوری پرسشنامه ها و آزمون فرضیه‌ها نتایج حاکی از آن بود، از دید پاسخ دهندگان سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته به رسالت خود جهت تعلیم و تجهیز کافی دانشجویان با مفاهیم حسابداری جهت فعالیت مناسب در بازار کار در چهار حوزه از پنج حوزه مورد بررسی عمل کند. بررسی‌های بیشتر نیز آشکار ساخت که پاسخ دهندگان به ترتیب از وضعیت کنونی«عدم توجه کافی به آشنایی دانشجویان با ابزارهای نوین تکنولوژی اطلاعاتی»، «عدم توجهی کافی به آموزش مناسب موارد قانونی مورد نیاز دنیای عمل» و «نداشتن مهارت عملی کافی دانشجویان» در مقایسه با مواردی همچون «عدم انتقال کافی مفاهیم و آموزش های اخلاقی به دانشجویان» و «عدم انطباق مطالب آموزشی با استانداردهای حسابداری»، شکایت بیشتری داشتند که این در انطباق با تحقیقات قبلی آلبرشت و ساک[4] (۲۰۰۱) می باشد که عنوان کردند زمان برای تغییر در آموزش حسابداری برای اینکه « فقط بهتر شود» گذشته است، آموزش حسابداری در ساختار جاری که ارائه می‌شود دور افتاده و ناقص بوده و نیاز به اصلاحات اساسی دارد، محتوای دروس حسابداری باید بر اساس تقاضای بازار، نه بر اساس علایق دانشگاه تعیین شود.

واژه‌های کلیدی: کاستی‌های آموزش دانشگاهی حسابداری، نیاز بازار کار، عقاید مراجع حرفه‌ای، برداشت مراجع دانشگاهی

---

[1] استادیار گروه حسابداری ، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مکاتبه کننده)mahdi_salehi٥٤@yahoo.com .

[2] استادیار گروه حسابداری ، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

[3] استادیار گروه حسابداری ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

[4] . Albreeht & Sack

Accounting Education Challenge from of the Accounting Professions and Academics Perception, Case of Iranian Accounting society

Mahdi Salehi[١], PhD(corresponding author)
Accounting Department, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Farzaneh Nasirzaeh, PhD
Accounting Department, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Vahab Rostami[٢], PhD
Department of Economics and Social Science, Payame Noor University, PO BOX ١٩٣٩٥-٣٦٩٧
Tehran, IRAN

Abstract

Result of various studied in current years revealed this fact that current accounting education system performance isn't in accordance with nowadays complex work environment needs (Mohamed & Lashine, ٢٠٠٣).Upon that current study is willing to trace main cases which make accounting educational courses incomplete and far from real word needs. By considering the nature of the research, a suitable questioners with some question around perception of the respondents about current condition of the investigated five area that make gap between academic education and work needs, distributed among two main engaged groups there including profession bodies (accountants & Auditors) and Academics (teachers & master courses students). By collecting the questioners and testing the hypotheses. it revealed that from view of respondents, accounting education system had not could to take it's task in preparing accounting students with suitable skills to operating in real world environment around four cases of five ones. More investigation also revealed that respondents unsatisfied of condition of «less considering on new IT abilities of students», «less considering to learning of law topics», «don't considering of low practical skill of students» respectively. However they didn't have more compliance of «ethical education of students» and «don't accordance of education subjects with standard and GAAP rules». These finding however is in accordance with past finding of Albreeht & Sack (٢٠٠١) whom stated that it is late to change in accounting education so it get only better than past and accounting education in current style is very surrounded and incomplete and needs major adjustments and subjects of accounting education must be sited on ground of work needs not on academics willing.

Keywords: Academics education attitudes, work needs, profession Perception, Academics Perception

[١] . mahdi_salehi٥٤@yahoo.com
[٢] . vahab.rostami@gmail.com

چالش های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی

۱. مقدمه

امروزه تعریف جدیدی از سرمایه ارائه شده که متفاوت از تعریف ثروت می باشد و در حالیکه ثروت کشورها به مجموع دارایی‌های مادی و معادن زیر زمینی و شرایط مناسب اقلیمی و موقعیت استراتژیک جغرافیایی آنها اطلاق می شود، سرمایه حقیقی کشورها را نیروی انسانی متخصص و بالنده تشکیل می دهد که با کارکرد موثر خود چرخ های اقتصادی و صنعتی کشور را بکار انداخته و باعث انباشت درآمد ملی می شوند. در این رابطه یک بانکدار عرب عنوان داشته که ما به دلیل فقر نیروی انسانی متخصص بر عکس تملک ذخایر متنابعی‌منابع زیر زمینی نفت به بچه یتیمی می مانیم که طلای بزرگی را به ارث برده ایم ولی توان بهره برداری از آن را نداریم. بر این اساس یکی از اولویت های اساسی هر کشور طراحی سیستم مناسب آموزشی جهت تربیت بهینه نیروی انسانی متخصص جهت تصدی مشاغل مختلف می باشد که این مسئولیت خطیر به آموزش و پرورش و مراکز دانشگاهی محول شده است که به ترتیب مجری آموزش های عمومی و تخصصی می باشند. با درک اهمیت آموزش مناسب نیروی انسانی به عنوان محور توسعه، کشورها تلاش ها و فعالیت های زیادی جهت ارتقای کارآمدی آموزش‌های دانشگاهی جهت تربیت مناسب این سرمایه انجام شده و توجه ویژه ای را در سالهای اخیر به خود جلب کرده است. رسالت اصلی دانشگاه ها در هر کشوری تربیت و آماده سازی نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز مشاغل مختلف بازار کار می‌باشد و برای این منظور آن ها باید در مرحله نخست نیازهای تخصص بازار کار حوزه فعالیت خود را شناسایی کرده و در مرحله بعد با برنامه ریزی صحیح و حساب شده اقدام به هدایت دانشجویان جهت فراگیری تخصص مورد نیاز بازارهای مذکور را نمایند. متاسفانه بررسی ها در مورد اغلب رشته های آموزشی حاکی از آن است که آموزش های دانشگاهی با فاصله گرفتن از نیازهای واقعی بازار کار نتوانسته به رسالت آموزشی خود جامه عمل بپوشاند و در اغلب موارد دانشجویان رشته های مذکور بعد فراغت از تحصیل جهت آماده شدن برای پذیرش و قبول وظایف محوله نیاز به آموزش های اضافی دارند که اغلب زمانبر است و این موضوع در مورد برخی رشته دانشگاهی همچون حسابداری بسیار مشهودتر است.

۲. بیان مساله

تحقیقات متعددی در سنوات اخیر در حوزه علل ناکارآمدی آموزش های دانشگاهی حسابداری جهت آماده سازی دانشجویانش جهت تصدی وظایف محوله انجام شده است که نتایج مربوطه اغلب بر این موارد تاکید دارند که اولا رشته علمی حسابداری نتوانسته خود را همگام با پیشرفت های دیگر علوم بروز کرده، ثانیا در شیوه آموزش و انتقال مناسب همین معلومات حسابداری به دانشجویان در دانشگاه ها نیز خلاءهای ملموسی وجود دارد. به عبارت ساده تر در حالیکه از یک سو ما با مازاد نیرو های دارای مدرک دانشگاهی حسابداری مواجه هستیم در سمت دیگر کارفرمایان ما در بازار کار از کمبود حسابداران متخصص شکایت می کنند. بر همین اساس و با توجه به اهمیت این مقوله، تحقیقات متعددی در سالهای اخیر جهت شناسایی این نواقص و پر کردن خلاهای مرتبط انجام شده است. با این حال یک ویژگی خاص و متفاوت رشته حسابداری از علوم متعارف پایه و فنی همچون پزشکی و دندانپزشکی و مکانیک به مدل ارائه خدمات دانش آموختگان این رشته برمی گردد. برای نمونه در حالیکه فارغ التحصیلان رشته های فنی و پایه مذکور فقط

می‌بایست در بازار کار، آموخته های دانشگاهی خود را بکار بندند و اغلب نیاز به مهارت اضافی دیگری ندارند، از فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری که عمده آموزش های دانشگاهی آنها به شیوه صحیح دفترداری منحصر می شود، انتظار می‌رود که علاوه بر موارد مذکور چالش های مرتبط با پایگاه داده ها، نرم افزارهای کامپیوتری، قوانین مالیاتی، بیمه، مالک و مستاجر و واردات و صادرات و غیره نیز مدیریت نمایند، در حالیکه همگان روی این موضوع توافق دارند که ایشان در رابطه با موارد اخیر به اندازه کافی در دانشگاه‌ها آموزش ندیده‌اند. پژوهش حاضر نیز در این رابطه در پی شناسایی و مستندسازی دیدگاههای گروههای مختلف دانشگاهی و شاغلین حرفه در رابطه با عمده حوزه هایی می باشد که موجب به وجود آمدن شکاف بین نیازهای بازار کار حسابداری و آموزش های دانشگاهی شده است و در پی حصول به این هدف است که تا چه اندازه دیدگاه های ایشان به هم نزدیک بوده و به نظر ایشان چه حوزه‌های از مهارت های آموزش حسابداری، ناکافی بوده و روی کدامیک باید بیشتر تاکید شود؟

۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

قلب تپنده کنونی اغلب کشورها در بازارهای سرمایه آنها متجلی است که به مثابه یک دماسنج اقتصادی وظیفه جمع‌آوری و تجهیز و هدایت سرمایه های کوچک سرمایه گذاران در طرح های اقتصادی با بازده مناسب را برعهده دارد. با گذشت زمان و رشد و توسعه اقتصادی بر اهمیت این بازارها نیز افزده شده است و مراجع حرفه ای اکثر کشورها تلاش مضاعفی برای ساماندهی و ضابطه مند نمودن فعالیت شرکت ها در این بازارها بعمل آورده اند. با علم به اینکه تنها عامل کارکرد بهینه این بازارها جریان مناسب اطلاعات مالی درباره وضعیت مالی و عملکرد شرکتهای حاضر در آن بازارها می باشد اهمیت سیستم حسابداری در تدارک و گزارش اطلاعات حسابداری جهت تغذیه این بازارها از یک سو و تامین و تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز قسمت‌های حسابداری شرکت ها از سوی دیگر آشکار می شود. حال با توجه به اینکه تحقیقات متعدد دانشگاهی حاکی از ناکارآمدی سیستم آموزشی فعلی حسابداری به متقاضیان آن می باشد تحقیق حاضر در پی ردیابی عمده نقاط چالش برانگیز آموزش حسابداری از دید عمده گروه های درگیر در این فرایند شامل حسابداران شاغل و اساتید دانشگاهی می باشد که در جای خود کار جدیدی بوده و نیاز به حمایت دارد.

در آمریکا کمیته بدفورد به این نتیجه دست یافت که حسابداری در حال تبدیل شدن به یک حرفه وسیع اطلاعاتی است که بطور فزاینده ای از فنون اندازه گیری و پیچیده، مفاهیم تحلیلی غامض و فنون ارتباطی جدید برای بهبود اطلاعات ارایه شده جهت تصمیمات اقتصادی و اجتماعی گسترده استفاده می کند (کمیته بدفورد، ۱۹۸۶). گزارش بدفورد و شینکر مبنی بر این بود که آموزش حسابداری اساسا تغییری نکرده و به همین دلیل انتقادات گسترده ای وجود دارد که فارغ التحصیلان حسابداری نمی توانند چگونه ارتباط برقرار کرده و به طور منطقی استدلال کنند. همچنین گزارش مذکور ادعا دارد که آنها در مهارت های ارتباطتی ضعیف بوده و نمی توانند خلاقانه و مسئولانه فکر کنند (بدفورد و شینکر، ۱۹۸۷). این کمیته توصیه نمود آموزش حسابداری بازسازی شده و دوسال آن به آموزش عمومی، دو سال به آموزش حسابداری حرفه ای و یک سال به آموزش حسابداری تخصصی اختصاص یابد. در سال ۱۹۸۹ با شکل گرفتن کمیته تغییر آموزش حسابداری[۱]، کمیته مذکور نتیجه گیری کرد که رویکرد سنتی به آموزش حسابداری به شدت بر دانش فنی، محاسبه یک پاسخ درست، یادگیری کورکورانه متکی بوده و توصیه شد این فرایند تغییر یافته و بهبود یابد (نوروش، ۱۳۸۲).

[۱] . Accounting Education Change Committee (AECC)

٤. ادبیات و مبانی نظری پژوهش

٤-١. تاریخچه آموزش حسابداری در ایران

بحث درباره حرفه حسابداری در ایران قدمتی طولانی دارد. لیکن عمر بکارگیری نظام های حسابداری دو طرفه جدید که در حال حاضر مورد استفاده بنگاه های تجاری و دولتی می باشد از ۷۰ سال فراتر نمی رود. در آغاز سیستم حسابداری دوطرفه صرفا توسط شرکتهای خارجی که دارای دفتر یا شعبه نمایندگی بودند، مورد استفاده قرار می گرفت که بعدها روی آوری به این نظام ها به شرکتهای داخلی نیز راه یافت. بانک شاهی و شرکت ملی نفت از جمله اولین کاربران سیستم حسابداری دو طرفه در کشور بودند. مشارکت فعال ایرانیان در حرفه حسابداری به سال ۱۳۱۴ بر می گردد که طی آن ۱۲ نفر از دانشجوی ایرانی با بورسیه بانک ملی برای تحصیل در رشته حسابداری نوین به کشور انگلستان اعزام شدند. در همین راستا سازمانهای دیگری همچون وزارت امور اقتصادی و دارایی و شرکت ملی نفت ایران نیز برنامه های مشابهی را دنبال کردند که در پی آن ۱۵۰ دانشجوی حسابداری از مزایای برنامه های آن بهره مند شدند. تا سال ۱۳۷۱ نیز حدود ۲۰ دانشگاه دولتی در کشور مجری آموزش های دانشگاهی در حسابداری بودند که چهار تای آنها در مقطع تحصیلات تکمیلی نیز دانشجو می پذیرفتند (ثقفی و محدزاده نوین، ۱۳۷۱، ص۸۳).

٤-٢. مروری بر عمده تحقیقات داخلی و خارجی

با توجه به حجم وسیع تحقیقات صورت گرفته در حوزه های مختلف حسابداری و گزارشگری مالی تحقیقات نسبتا" محدودی در حوزه ی آموزش حسابداری علی الخصوص تاثیر آن در ارتقای گزارشگری مالی و شفافیت در داخل کشور قابل ردیابی است. نوروش (همان ماخذ) مشکل آموزش حسابداری را کمبود نیروی انسانی مورد نیاز، دانشجویان واجد شرایط و محتوای ضعیف برنامه تحصیلی عنوان داشته و یادآوری نموده که بسیاری از مطالب برنامه درسی بدون در نظر گرفتن تفاوتهای فرهنگی و اجتماعی از واحدهای آموزشی کشورهای پیشرفته اقتباس شده است. محقق در نهایت نتیجه گیری می نماید که برای حصول به برنامه درسی موثر به تغییرات بنیادی در مسیر فعلی برنامه ریزی درسی و آموزش، به دانش و مهارت های لازم برای طراحی و اجرای سیستم های حسابداری باید تاکید فراوان شود.

مشایخی و نوروش (۱۳۸۴) به تعیین نیازهای و اولیت های آموزشی در حوزه حسابداری مدیریت و بررسی فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در این حوزه فعالیت حسابداری پرداختند و یافته های تحقیق ایشان نشان می داد که شاغلین حرفه در مورد روشهای مورد استفاده در سازمان، بیشتر از روشهای سنتی حسابداری مدیریت استفاده کرده و در مورد مهارتهای مورد نیاز برای فارغ التحصیلان جدید حسابداری که وارد مشاغل حسابداری مدیریت می شوند از دیدگاه هر دو گروه مورد مطالعه، مهارتهای حل مسئله را بالاترین اولویت بیان داشته اند.

سنایی (۱۳۸۵) طی تحقیقی در رابطه با تجزیه وتحلیل وضعیت آموزشی دانشگاهها در ارتباط با نیازهای آموزش عالی کشور عنوان کرد که کیفیت هر نظام آموزشی مترادف با بدست آوردن نتایج مطلوب بوده و اشاره می کند که کارایی به هزینه و اثربخشی بستگی داشته و مبین توان تولیدی آن نظام است که بصورت نسبتهای کمی یا برون داد به درون داد بیان می شود.

عرب مازار یزدی (۱۳۸۶) در زمینه بازنگری جایگاه سیستم های اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه اظهار می دارد که برنامه آموزش حسابداری نیاز به اصلاح جدی در این زمینه دارد و به هر شکل ممکن باید دروسی مختلفی در برنامه سطوح کارشناسی ارشد حسابداری بر پایه مباحث مربوط به سیستم های اطلاعاتی حسابداری گنجانده شود. ایشان بازنگری سریع در شیوه آموزش حسابداری را ضروری دانسته و عنوان داشته که در این رشته نیز مانند سایر علوم ضرورت ایجاد گرایش های متفاوت بیشتر احساس شده و تاثیر فوق العاده فناوری اطلاعات و ارتباطات در چنین شرایطی بیش از گذشته درک خواهد شد.

رهنمای رودپشتی، وکیلی فرد و رئیس زاده (۱۳۸۹) نیز طی تحقیقی به بررسی و تعیین دیدگاه های دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه نسبت به اولویت های گرایش های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی، میزان واحدهای دروس تخصصی و موثرترین روش تدریس حسابداری به منظور تدوین چارچوبی برای برنامه ریزی رشته حسابداری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری با استفاده از روش آماری تحلیل عاملی با کمک داده های فازی پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان می داد که بین دیدگاه های طیف جامعه آماری نسبت به پنج مولفه مورد بررسی فوق الذکر تفاوت معنی داری وجود داشته و در حالیکه مدرسین حسابداری به حسابداری مالی و دانشجویان مقاطع تکمیلی به حسابداری مدیریت بیشتر بها می دادند، شاغلین حرفه ، پرداختن به مباحث حسابرسی را اولویت مباحث آموزشی در راستای تامین نیازهای جامعه مالی ایران عنوان کرده اند. اضافه بر آن در رابطه با موضوعات جدید حسابداری، اساتید دانشگاه و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی از درس حسابداری مدیریت پیشرفته نام برده اند در حالیکه مدیران شاغل در حرفه تهیه و تنظیم صورتهای مالی و یادداشتهای مربوطه و گزارشات مدیریتی را در اولویت قرار داده اند .

نایت و زوک[۱] (۱۹۸۲) طی تحقیقی گزارش دادند که دو گروه حسابداران خبره و مدیران مالی آمریکا سرفصل های حسابداری مالی و مدیریت را از لحاظ اهمیت بطور متفاوتی رتبه بندی می نمایند.

نوین، پیرسون و صدقی[۲] (۱۹۹۰) در تحقیقی به مطالعه مهارت ها و ویژگی های لازم برای فارغ التصیلان رشته حسابداری که وارد مشاغل حسابداری مدیریت می شوند، پرداختند و تاکید آنها بر این مسئله بود که بررسی این مهارت ها و ویژگی ها می تواند در ارایه ساختاری مناسب برای برنامه درسی حسابداری مفید باشد.سیگل و سورنسون[۳] (۱۹۹۴) نیز در تحقیق خود در پی پاسخ به این سوال بودند که شرکتهای آمریکایی چه توقعی از حسابدارانی که تازه وارد حرفه می شوند، دارند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که نحوه آموزش دانشگاه ها برای یک شغل حسابداری مدیریت از لحاظ انطباق با نیازهای موجود کفایت نمی کند. آنها پیشنهاد نمودندکه نیاز به برقراری یک ارتباطی بین دانشگاه و افراد شاغل در حرفه وجود دارد تا از این طریق پلی بین عقاید این دو گروه بتوان بنا نمود. در همین راستا نتایج تحقیقات سیگل و کولیسزا[۴] نشان می داد که فارغ التحصیلان حسابداری در شرکتهای آمریکایی برای حل مسائل بحرانی حسابداری مدیریت توانایی لازم را نداشته و مدیران شرکتها تمایل دارند که محتوای دروس حسابداری به طور صریح و روشن بر اساس آنچه که حسابداران در موقعیت واقعی حسابداری مدیریت انجام می دهند به آنها آموزش داده شود (سیگل و کولیسزا، ۱۹۹۵).

---

[۱] . Knight & Zook
[۲] . Novin, Pearson & Sdge
[۳] . Siegel & Sorenson
[۴] . Siegel & Kulesza

رینر و تانر[۱] (۲۰۰۱) با تمرکز بر لزوم آموزش مهارتهای ارتباطی و اخلاقی گزارش کردند که ضرورتی فوری وجود دارد که اساتید حسابداری به منظور کاهش فاصله از بازار، شیوه آموزشی خود را تغییر و مفاهیم بازاریابی و ارتباطات اجتماعی و اخلاق را در دوره آموزشی حسابداری بگنجانند. نیرون[۲] (۲۰۰۲) نیز طی تحقیق خود نتیجه گیری می‌نماید که دانشجویان حسابرسی می بایست موضوعات مربوط به اخلاق حرفه ای و استانداردهای جدید و کنترلهای داخلی مربوط به کلاهبرداری ها را بیاموزند. در این رابطه کایور[۳] (۲۰۰۴) نشان داد که ضریب توجه به آموزش مفاهیم اخلاقی پایین می باشد. سلطان اغلو[۴] (۲۰۰۷) در بررسی شیوه های آموزش واحدهای حسابداری در دوره کارشناسی ۲۷ دانشگاه دولتی ترکیه دریافت که بین شیوه و نوع آموزش حسابداری دانشگاه های مورد بررسی ترکیه با دانشگاه های مشابه در ایالات متحده تفاوت فاحشی وجود ندارد با این حال ایشان پیامدهای فقدان واحدهای آموزش اخلاقی به دانشجویان حسابداری را متذکر شد.

مک پیل[۵] (۱۹۹۹) نیز عنوان کرد که دانشکده‌های علوم مالی به رسالت خود جهت آماده سازی دانشجویانشان برای رویارویی و مواجهه با مشکلات پیچیده به ویژه اخلاقی در دنیای واقعیت عمل نمی کنند. در سال ۱۹۹۲ فدراسیون بین المللی حسابداران[۶] بیانیه ای با عنوان آیین رفتار حرفه ای حسابداران، چالش های آموزش و کاربردهای عملی منتشر نمود که طبق آن در دوره های آموزشی حسابداری می بایست فاکتورهای آیین رفتار حرفه ای برای ترغیب دانشجویان جهت داشتن رفتاری اخلاقی گنجانده شود. بعدها فدراسیون مذکور نتایج تحقیقی درباره ضرورت آموزش های اخلاقی در حسابداری را منتشر نمود که نشان می داد یک بازخورد مثبت در ارتباط با نیاز و دامنه آموزش های اخلاقی در سراسر دنیا وجود دارد (سلوی[۷]، ۲۰۰۰).

همچنین یافته های پژوهش های محمد و لاشین[۸] (۲۰۰۳) نشان می داد که امروزه مدل های کنونی آموزش حسابداری در دانشگاه ها جهت آماده نمودن دانشجویان برای ورود به بازارهای پیچیده امروزی مناسب و کافی نمی باشد و اساتید حسابداری نیازمند توسعه یک برنامه راهبردی به منظور کاهش فاصله و خلاء موجود بین مهارت های جاری دانشجویان و مهارت های مورد نیاز بازار کار می باشند.

کار[۹] در تحقیق خود اظهار می دارد که فارغ التحصیلان حسابداری باید دارای ویژگی آموزشی قوی و مهارت های ارتباطی کافی باشند. محقق در تحقیق خود چنین نتیجه گیری نمود که شاغلین حرفه تاکید زیادی بر مهارت های گزارش دهی فارغ التحصیلان دارند (کار، ۲۰۰۵).

جین اسمیت[۱۰] در تحقیق خود درباره تفاوت اولویت های آموزشی در محتوای دروس مقطع کارشناسی حسابداری بیان می دارد که مدیران مالی و شاغلین حرفه از کارایی مهارتی پایین فارغ التحصیلان حسابداری بسیار ناراضی بوده و این نارضایتی می تواند

---

۱. Renner & Tanner
۲. Nearon
۳. Caliyurt
۴. Sultanoglu
۵. McPail
۶. International Federation of Accountants (IFAC)
۷. Selvi
۸. Mohamed & Lashine
۹. Karr
۱۰. Gene Smith

ناشی از وجود فاصله ادراکی بین شاغلین حرفه و مربیان دانشگاهی و نارضایتی هر دو گروه از شغل خود باشد. محقق پیشنهاد کرد که اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه به منظور تجدید نظر در دروس حسابداری و اطمینان از اینکه محتوای دروس پاسخگویی نیازهای دانشجویان و استخدام کنندگان باشد می بایست با همدیگر همفکری مداوم داشته باشند. ایشان در تحقیق خود عنوان کرده که انجمن حسابداران رسمی آمریکا[۱] خواهان تغییر برنامه های درسی حسابداری در جهت انطباق برآورده کرددن تقاضای بازار و انجام اصلاحاتی در محتوای دروس حسابداری می باشد و نبود ارتباط و بحث و مذاکره در خصوص نحوه اعتلای آموزش و محتوای دروس حسابداری میان اساتید این رشته را از عمده ترین موانع ارتقا و ایجاد تغییر اساسی در محتوای دروس این رشته می داند (جین اسمیت، ۲۰۰۶).

۵. فرضیه‌های تحقیق و مبانی نظری آن ها

با توجه به یافته های سنایی (۱۳۸۵) در رابطه با تجزیه وتحلیل وضعیت آموزشی دانشگاهها و نیازهای آموزش عالی کشور که عنوان کرد آموزش عالی کنونی تحت یک الگوی منسوخ و قدیمی بنا نهاده شده و نیازهای آموزشی رایج را منعکس نکرده و برنامه‌ریزی درسی باید با تاکید بر شایستگی عملی فراگیر از نوسازمان داده شود و همچنین یافته های پژوهش های محمد و لاشین[۲] (۲۰۰۳) که نشان می داد امروزه مدلهای کنونی آموزش حسابداری در دانشگاه ها جهت آماده نمودن دانشجویان برای ورود به بازارهای پیچیده امروزی مناسب و کافی نبوده و اساتید حسابداری نیازمند توسعه یک برنامه راهبردی به منظور کاهش فاصله و خلاء موجود بین مهارت های جاری دانشجویان و مهارت های مورد نیاز بازار کارهستند. همچنین تحقیق آلبرشت و ساک[۳] (۲۰۰۰ و ۲۰۰۱) ۲۰۰۱) نیز نشان داد که زمان برای تغییر در آموزش حسابداری برای اینکه « فقط بهتر شود» گذشته است، آموزش حسابداری در ساختار جاری که ارائه می شود دور افتاده و ناقص بوده و نیاز به اصلاحات اساسی دارد، محتوای دروس حسابداری باید بر اساس تقاضای بازار، نه بر اساس علایق دانشگاه تعیین شود. هدف علم حسابداری آموزش حسابداری نیست، بلکه آموزش دانشجویانی است که حسابدار شوند بر این اساس فرضیه اول تحقیق شکل می گیرد:

فرضیه اول: از دید پاسخ دهندگان سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته به رسالت خود جهت تعلیم و تجهیز کافی دانشجویان با مفاهیم حسابداری جهت فعالیت مناسب در بازار کار عمل کند.

در این رابطه با در نظر گرفتن نتایج تحقیق کرامر و همکاران[۴] (۲۰۰۵) که عنوان کردند که بسیاری از فارغ التحصیلان حسابداری حسابداری فاقد صلاحیت کافی برای تصدی‌گری مشاغل حسابداری بخشهای دولتی و خصوصی بوده و مجتهدزاده (۱۳۸۰) نیز عنوان داشت که مربیان رشته حسابداری خواستار برنامه های آموزشی مناسب و منطبق با نیازهای جامعه اقتصادی می باشند، فرضیه فرعی اول تدوین شد:

---

۱. American Institute of Certified Public Accountants
۲. Mohamed & Lashine
۳. Albreeht & Sack
۴. Kramer, Jonson, Crain & Miller

فرضیه فرعی اول: از دید پاسخ دهندگان سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته دانشجویان را به مفاد با اهمیت قوانین و مقررات لازم برای آماده سازی فعالیت ایشان در محیط کار عملی تجهیز کند.

همچنین با توجه به توصیه های کمیته آموزش حسابداری مبنی بر تفکیک دوره های آموزش عمومی، تخصصی و مهارتی حسابداری برای انطباق آموزش با نیاز بازار کار و بی توجهی به آموزش کافی استانداردها، فرضیه فرعی دوم به شرح زیر تدوین شد:

فرضیه فرعی دوم: از دید پاسخ دهندگان اغلب رویه ها و مفاهیم آموزش داده شده فعلی حسابداری به دانشجویان لزوما انطباقی با رویه های تجویزی در استانداردهای پذیرفته شده کشورمان ندارد.

در ادامه با توجه به تحقیق عرب مازار یزدی (۱۳۸۶) که خواستار بازنگری سریع در شیوه آموزش حسابداری و توجه ویژه به فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش شده بود، فرضیه فرعی سوم به شرح زیر ارائه شد:

فرضیه فرعی سوم: از دید پاسخ دهندگان سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته معلومات کافی درباره نحوه بکارگیری و بهره‌مندی از عمده ابزارهای تکنولوژی اطلاعاتی روز را به دانشجویان انتقال دهد.

در نهایت اعتمادی و فخاری (۱۳۸۳) در تحقیق خود به ارتباط بین تحقیقات، آموزش و عمل حسابداری پرداختند و در بخش وضعیت علمی حسابداری ایران عنوان کردند که فعالیتهای آموزشی در کشور تا حدود زیادی از نیازهای حرفه ای فاصله گرفته و فاقد کارایی جهت رفع نیازها می باشد. جین اسمیت[۱] نـیـز در تحقیق خود درباره تفاوت اولویت های آموزشی در محتوای دروس مقطع کارشناسی حسابداری بیان می دارد که مدیران مالی و شاغلین حرفه از کارایی مهارتی پایین فارغ التحصیلان حسابداری بسیار ناراضی بوده و این نارضایتی می تواند ناشی از وجود فاصله ادراکی بین شاغلین حرفه و مربیان دانشگاهی و نارضایتی هر دو گروه از شغل خود باشد. ایشان در تحقیق خود عنوان کرده که انجمن حسابداران رسمی آمریکا[۲] خواهان تغییر برنامه های درسی حسابداری در جهت انطباق برآورده کردن تقاضای بازار و انجام اصلاحاتی در محتوای دروس حسابداری می باشد و نبود ارتباط و بحث و مذاکره در خصوص نحوه اعتلای آموزش و محتوای دروس حسابداری میان اساتید این رشته را از عمده ترین موانع ارتقا و ایجاد تغییر اساسی در محتوای دروس این رشته می داند (جین اسمیت، ۲۰۰۶). در این رابطه فرضیه فرعی چهارم به شرح زیر تدوین شد:

فرضیه فرعی چهارم: از دید پاسخ دهندگان سیستم کنونی آموزش حسابداری بنحوی نبوده که مهارتهای کافی عملی جهت آماده سازی برای ورود به بازار کار را به دانشجویان انتقال دهد.

بالاخره با توجه به نتایج تحقیق مک پیل[۳] (۱۹۹۹) که عنوان کرد که دانشکده‌های علوم مالی به رسالت خود جهت آماده سازی دانشجویانشان برای رویارویی و مواجهه با مشکلات پیچیده به ویژه اخلاقی در دنیای واقعیت عمل نمی کنند. نیرون[٤] (۲۰۰۲) نیز طی تحقیق خود گزارش داد که امروزه حسابداران امتیاز و احترام سابق خود را در جامعه از دست داده اند و حالا باید در بازار کلاهبرداری

---

[۱]. Gene Smith
[۲]. American Institute of Certified Public Accountants
[۳]. McPail
[٤]. Nearon

های اخیر، مجددا آن را بدست آورند. کایور[1] (۲۰۰۴) نیز ضرورت توجه به آموزش مفاهیم اخلاقی را بعد فروپاشی و سقوط غول انرژی ایالات متحده انرون در دانشگاه های دولتی ترکیه سنجید و نشان داد که برعکس تصور اولیه ضریب توجه به آموزش مفاهیم اخلاقی پایین می باشد. بر این اساس فرضیه فرعی پنجم به شرح زیر شکل گرفت:

فرضیه فرعی پنجم: از دید پاسخ دهندگان رویه ها و شیوه های کنونی آموزش حسابداری بنحوی نبوده که دانشجویان را با مفاهیم و فاکتورهای اخلاقی و رفتاری مناسب آشنا کند.

در نهایت با توجه به نتیجه تحقیق نایت و زوک[2] (۱۹۸۲) که عنوان کردند که دو گروه حسابداران خبره و مدیران مالی آمریکا سرفصل‌های حسابداری مالی و مدیریت را از لحاظ اهمیت بطور متفاوتی رتبه بندی می نمایند و با توجه به اولویت بندی مشکلات آموزشی حسابداری کار رهنمای رودپشتی، وکیلی فرد و رئیس زاده (۱۳۸۹) فرضیه دوم تحقیق به شرح زیر تدوین و ارائه شد.

فرضیه دوم: میزان نارضایتی پاسخ دهندگان از پنج حوزه مورد بررسی شکاف بین آموزشهای نظری و نیازهای عملی بازار کار حسابداری با همدیگر یکسان نیستند.

٦. روش تحقیق، جامعه آماری و شیوه نمونه گیری

پژوهش حاضر از لحاظ روش، کار بر روی ساختارهای کیفی را مد نظر دارد و از حیث هدف با توجه به گستردگی فعالیتهای حرفه‌ای آموزشی حسابداری و اهمیت آن در ارتباط با تامین نیازهای بازار کار جامعه از نوع کاربردی است. مضافا با در نظر گرفتن اینکه تحقیق جاری در پی بررسی چالشهای پیش روی تقویت آموزش حسابداری جهت تقلیل فاصله بین تئوری و عمل از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی می باشد، و قصد تغییر در متغیرهای مورد بررسی را ندارد از این رو روش تحقیق مناسب آن روش توصیفی است. با توجه به روش مطالعه (روش پیمایشی) و ویژگی موضوع مورد مطالعه که امکان مشاهده مقادیر متغیرهای تحقیق وجود ندارد، از ابزار پرسشنامه که مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این نوع تحقیقات به‌شمار می‌آید، کمک گرفته شد. هر یک از سوالات پرسشنامه بر اساس فرضیه‌های پژوهش و برای سنجش و اندازه گیری مفاهیم و متغیرهای فرضیه ها طراحی شده و از طیف لیکرت هفت گزینه ای نیز برای مشخص کردن میزان تفاوتها استفاده شد. پرسشنامه دارای دو بخش سوالات عمومی درباره مشخصات کلی پاسخ‌دهندگان از قبیل سن و جنس و تحصیلات و موقعیت کاری و سوالات تخصصی درباره فرضیه های پژوهش می باشد که با یک نامه همراه ضرورت انجام تحقیق و دعوت از پرسش شوندگان جهت پاسخ گویی مناسب به سوالات تحقیق ارائه شده بود. نیت و سعی برآن بود تا با تهیه پرسشنامه‌ای جامع و کامل بتوان داده های مورد نیاز پژوهش حاضر را با درجه بالایی از اعتماد و روایی به دست آورد. دقت در مفاهیم،گویه‌ها، جداول،ترتیب پرسش‌ها و غیره از جمله تلاش‌ها برای گردآوری دقیقتر داده ها بود.

جامعه آماری مد نظر این پژوهش با توجه به هدف آن کلیه افراد شاغل در حرفه و همچنین مرتبط با آموزش دروس حسابداری اعم از حسابداران و حسابرسان و اساتید حسابداری و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی این رشته می باشد . نمونه گیری از میان

[1] . Caliyurt
[2] . Knight & Zook

نمایندگان اعضای این جامعه انجام گرفته است. جدول شماره (۱) زیر وضعیت عمومی پاسخ دهندگان و نتیجه پاسخ های ایشان را نمایش می دهد.

جدول شماره (۱) – وضعیت عمومی متغیرهای مورد بررسی

فاکتورهای مورد بررسی / گروه های مقایسه شونده		کفایت آشنایی دانشجویان با قوانین و مقررات	کفایت آشنایی دانشجویان با استانداردهای حسابداری	کفایت آشنایی دانشجویان با ابزار تکنولوژی اطلاعاتی	کفایت انتقال معلومات و مهارتهای عملی	کفایت انتقال مفاهیم اخلاقی به دانشجویان	جمع
حسابداران	تعداد	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۳
	میانگین	۵,۸۰۷۸	۳,۹۱۶۹	۶,۱۱۴۶	۵,۰۷۳۸	۴,۵۱۱۳	۵,۱۶۵۷
	انحراف معیار	۱,۲۱۵۸	۰,۶۶۵۷	۱,۱۲۲۸	۰,۷۴۳۱	۰,۸۹۱۵	۰,۶۸۲۵
حسابرسان و دانشگاهیان	تعداد	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷
	میانگین	۶,۱۱۳۶	۴,۵۰۹۷	۵,۹۸۹۲	۴,۹۹۴۶	۵,۲۱۶۲	۵,۴۴۲۳
	انحراف معیار	۰,۷۶۳۴	۱,۲۱۴۷	۱,۴۳۳۶	۰,۶۲۶۲	۱,۰۹۲۱	۰,۷۰۲۹
جمع	تعداد	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰
	میانگین	۵,۸۸۸۶	۴,۰۷۳۵	۶,۰۸۱۴	۵,۰۵۲۹	۴,۶۹۷۶	۵,۲۱۳۸۸
	انحراف معیار	۱,۱۱۹۸	۰,۸۸۱۰	۱,۲۰۸۵	۰,۷۱۲۷	۰,۹۹۴۷	۰,۶۹۶۳

۷. نتایج آزمون فرضیه ها

نتایج آزمون فرضیه اول: فرضیه اول تحقیق و فرضیه های فرعی آن به ترتیب در پی ردیابی ناکارآمدی سیستم آموزش حسابداری در عمل به رسالت خود جهت تعلیم و تجهیز کافی دانشجویان با مفاهیم حسابداری جهت فعالیت مناسب در بازار کار عمل از دید پاسخ دهندگان به صورت کلی و در حوزه های تعیین شده در فرضیه های فرعی می باشد. با توجه به مطلوبیت پاسخ ها در طیف لیکرت هفت گزینه ای در صورتی که میزان نارضایتی بیشتر از چهار باشد فرضیه پذیرفته خواهد شد. بیان آماری این فرضیه و پنج فرضیه فرعی همراهش به قرار زیر می باشد:

فرضیه صفر: میزان نارضایتی پاسخ دهندگان در زمینه مورد بررسی بیشتر از میانگین (۴) نمی باشد. $H_0 : \mu \leq 4$

فرضیه یک : میزان نارضایتی پاسخ دهندگان در زمینه مورد بررسی بیشتر از میانگین (۴) می باشد. $H_1 : \mu > 4$

نتایج آزمون فرضیه فوق در جدول شماره (۲) زیر ثبت شده است :

جدول شماره (۲)- نتایج آماری آزمون فرضیه اصلی اول و و پنج فرضیه فرعی آن

فرضیه	تعداد نمونه N	میانگین‌نمونه $\bar{x}$	انحراف‌معیار s	مقدار آماره آزمون t	درجه آزادی d.f	معنی داری P-value	نتیجه آزمون Result
فرضیه فرعی اول	۱۴۰	۵,۸۸۸۶	۱,۱۱۹۸	۱۹,۹۵۵	۱۳۹	۰,۰۰۰	رد H.
فرضیه فرعی دوم	۱۴۰	۴,۰۷۳۵	۰,۸۸۱۰	۰,۹۸۷	۱۳۹	۰,۳۲۶	عدم رد H.
فرضیه فرعی سوم	۱۴۰	۶,۰۸۱۴	۱,۲۰۸۵	۲۰,۳۷۸	۱۳۹	۰,۰۰۰	رد H.
فرضیه فرعی چهارم	۱۴۰	۵,۰۵۲۹	۰,۷۱۲۷	۱۷,۴۷۹	۱۳۹	۰,۰۰۰	رد H.
فرضیه فرعی پنجم	۱۴۰	۴,۶۹۷۶	۰,۹۹۴۷	۸,۲۹۸	۱۳۹	۰,۰۰۰	رد H.
فرضیه اصلی اول	۱۴۰	۵,۲۳۸۸	۰,۶۹۶۳	۲۱,۰۵۱	۱۳۹	۰,۰۰۰	رد H.

با توجه به نتیجه آزمون برای فرضیه فرعی اول که سطح معنی داری کمتر از سطح خطای ۵ درصد می باشد در نتیجه می توان گفت که با رد فرضیه .H فرضیه فرعی اول تحقیق تایید شده و از دید پاسخ دهندگان سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته دانشجویان را به مفاد با اهمیت قوانین و مقررات لازم برای آماده سازی فعالیت ایشان در محیط کار عملی تجهیز کند. نتایج مشابهی در رابطه با فرضیه های فرعی سوم و چهارم و پنجم و فرضیه اصلی صادق است. هر چند این موضوع در رابطه با فرضیه فرعی دوم صادق نیست. نتیجه بررسی ها در جدول شماره (۳) زیر ارائه شده است:

جدول شماره (۳)- تفسیر نتایج آزمون فرضیه اصلی اول و و پنج فرضیه فرعی آن

فرضیه	نتیجه آزمون	نتیجه گیری
فرضیه فرعی اول	پذیرش فرضیه	پاسخ دهندگان معتقدند که سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته دانشجویان را به مفاد با اهمیت قوانین و مقررات لازم برای آماده سازی فعالیت ایشان در محیط کار عملی تجهیز کند.
فرضیه فرعی دوم	رد فرضیه	پاسخ دهندگان این موضوع را که اغلب رویه ها و مفاهیم آموزشی فعلی حسابداری دانشجویان لزوما انطباقی با رویه تجویزی استانداردهای حسابداری کشور ندارد، قبول ندارند.
فرضیه فرعی سوم	پذیرش فرضیه	پاسخ دهندگان معتقدند سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته معلومات کافی درباره نحوه بکارگیری و بهره مندی از عمده ابزارهای تکنولوژی اطلاعاتی روز را به دانشجویان انتقال دهد.
فرضیه فرعی‌چهارم	پذیرش فرضیه	پاسخ دهندگان معتقدند سیستم کنونی آموزش حسابداری بنحوی نبوده که مهارتهای کافی عملی جهت آماده سازی برای ورود به بازار کار را به دانشجویان انتقال دهد.

فرضیه فرعی پنجم	پذیرش فرضیه	پاسخ دهندگان معتقدند که رویه ها و شیوه های کنونی آموزش حسابداری بنحوی نبوده که دانشجویان را با مفاهیم و فاکتورهای اخلاقی و رفتاری مناسب آشنا کند.
فرضیه اصلی اول	پذیرش فرضیه	پاسخ دهندگان معتقدند سیستم کنونی آموزش حسابداری نتوانسته به رسالت خود جهت تعلیم و تجهیز کافی دانشجویان با مفاهیم حسابداری جهت فعالیت مناسب در بازار کار عمل کند.

نتایج آزمون فرضیه دوم: فرضیه دوم تحقیق در پی ردیابی این موضوع است که آیا دامنه نارضایتی پاسخ دهندگان از بین حوزه های مورد بررسی یکسان است و اگر این طور نیست کدام حوزه عمده عامل به وجود آمدن تفاوت است. بیان آماری این فرضیه به قرار زیر می باشد:

$$\begin{cases} H_0: & \mu_1 = \mu_2 = \mu_3 = \mu_4 = \mu_5 \\ H_1: & \text{حداقل میانگین یک مورد با بقیه تفاوت دارد.} \end{cases}$$

نتایج آزمون فرضیه فوق با کمک روش آزمون کروسکال والیس نشان دهنده این است که سطح معنی داری کمتر از سطح خطای ۵ در صد می باشد که در ادامه با کمک آزمون LSD مواردی که باعث به وجود آمدن اختلاف شده است مشخص می کنیم که در ادامه در جدول شماره (۴) زیر ارائه شده است :

جدول شماره (۴) نتیجه آزمون فرضیه دوم تحقیق

فاکتورهای مورد بررسی		کفایت آشنایی دانشجویان با قوانین و مقررات	کفایت آشنایی دانشجویان با استانداردها	کفایت آشنایی دانشجویان با تکنولوژی اطلاعاتی	کفایت انتقال معلومات و مهارت عملی	کفایت انتقال مفاهیم‌اخلاقی به دانشجویان
کفایت آشنایی دانشجویان با قوانین و مقررات	تفاوت میانگین	۱	۱,۸۱۵	۰,۱۹۳	۰,۸۳۶	۱,۱۹۱
	انحراف استاندارد		۰,۱۱۱	۰,۰۹۹	۰,۰۸۷	۰,۱۰۶
	Sig		۰,۰۰۰	۰,۰۵۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
کفایت آشنایی دانشجویان با استانداردحسابداری	تفاوت میانگین	--	۱	۲,۰۰۸	۰,۹۷۹	۰,۶۲۴
	انحراف استاندارد			۰,۱۱۲	۰,۰۹۲	۰,۰۷۳
	Sig			۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
کفایت آشنایی دانشجویان با تکنولوژی اطلاعاتی	تفاوت میانگین	--	--	۱	۱,۰۲۹	۱,۳۸۴
	انحراف استاندارد				۰,۰۹۸	۰,۱۱۶
	Sig				۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
کفایت انتقال معلومات و مهارت عملی	تفاوت میانگین	--	--	--	۱	۰,۳۵۵
	انحراف استاندارد					۰,۰۹
	Sig					۰,۰۰۰

کفایت انتقال مفاهیم اخلاقی به دانشجویان	تفاوت میانگین انحراف استاندارد Sig	--	--	--	--	۱

همان طور که نتایج این آزمون نشان می دهند اختلاف معنادار بین تمام گروه ها غیر از میانگین فاکتور اول و سوم وجود دارد. به هر حال در ادامه جهت تعیین شدن وزن اهمیت هر یک از موارد مطرح شده با کمک روش رتبه ای فریدمن بررسی می شود که بیان آماری آن نیز به قرار زیر است:

H_0: پنج حوزه مورد بررسی از دید پاسخ دهندگان دارای وزن و اهمیت یکسان می باشند

H_1: پنج حوزه مورد بررسی از دید پاسخ دهندگان دارای وزن و اهمیت یکسان نمی باشند.

با توجه به مقدار آماره این آزمون که باز کمتر از سطح معنی داری ٪۵ میباشد، نتیجه بیانگر معنی دار بودن رتبه بندی است که نتایج مربوط به آن به شرح جدول شماره (۵) زیر ارائه شده است:.

جدول شماره (۵)- نتیجه آزمون رتبه ای فریدمن درباره رتبه بندی حوزه های مورد بررسی

حوزه های مورد بررسی شکاف آموزش و عمل	میانگین حوزه مورد بررسی	رتبه حوزه مورد بررسی
کفایت آشنایی دانشجویان با قوانین و مقررات	۵,۸۸۸۶	۲
کفایت آشنایی دانشجویان با استاندارد حسابداری	۴,۰۷۳۵	۵
کفایت آشنایی دانشجویان با تکنولوژی اطلاعاتی	۶,۰۸۱۴	۱
کفایت انتقال معلومات و مهارت عملی	۵,۰۵۲۹	۳
کفایت انتقال مفاهیم اخلاقی به دانشجویان	۴,۶۹۷۶	۴

همچنانکه از نتایج آزمون فریدمن بر می آید پاسخ دهندگان به ترتیب از وضعیت کنونی عدم توجه کافی به آشنایی دانشجویان با ابزارهای تکنولوژی اطلاعاتی و همچنین کم توجهی به آموزش کافی عمده موارد قانونی مورد نیاز دنیای عمل و همچنین نداشتن مهارت عملی کافی دانشجویان در مقایسه با مواردی همچون عدم انتقال کافی مفاهیم و آموزش های اخلاقی به دانشجویان و عدم انطباق مطالب آموزشی با استانداردهای حسابداری، شکایت بیشتری داشتند.

۸. نتیجه گیری نهایی و پیشنهادات تحقیق :

با درک اهمیت آموزش مناسب نیروی انسانی به عنوان محور توسعه کشورها تلاش ها و فعالیت های زیادی جهت ارتقای کارآمدی آموزش‌های دانشگاهی جهت تربیت مناسب این سرمایه کشورها انجام شده و توجه ویژه ای را در سالهای اخیر به خود جلب کرده است. رسالت اصلی دانشگاه ها در هر کشوری تربیت و آماده سازی نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز مشاغل مختلف بازار کار می‌باشد و برای این منظور آن ها باید در مرحله نخست نیازهای تخصص بازار کار حوزه فعالیت خود را شناسایی کرده و در مرحله بعد با برنامه ریزی صحیح و حساب شده اقدام به هدایت دانشجویان جهت فراگیری تخصص مورد نیاز بازارهای مذکور را نمایند. متاسفانه در اغلب موارد آموزش های دانشگاهی با فاصله گرفتن از نیازهای واقعی بازار کار نتوانسته به رسالت آموزشی خود جامه عمل بپوشاند.

تحقیقات متعددی در سنوات اخیر در حوزه علل ناکارآمدی آموزش های دانشگاهی حسابداری جهت آماده سازی دانشجویانش جهت تصدی وظایف محوله انجام شده است که نتایج مربوطه اغلب بر این موارد تاکید دارند که اولا رشته علمی حسابداری نتوانسته خود را همگام با پیشرفت های دیگر علوم بروز کرده و ثانیا در شیوه آموزش و انتقال مناسب همین معلومات حسابداری به دانشجویان در دانشگاه ها نیز خلاهای ملموسی وجود دارد. به عبارت ساده تر در حالیکه از یک سو ما با مازاد نیرو های دارای مدرک دانشگاهی حسابداری مواجه هستیم در سمت دیگر کارفرمایان ما در بازار کار از کمبود حسابداران متخصص شکایت می کنند. تحقیقات متعددی در سالهای اخیر جهت شناسایی این نواقص و پر کردن خلاهای مرتبط انجام شده است. از فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری که عمده آموزش های دانشگاهی آنها به شیوه صحیح دفترداری آنها منحصر می شود، انتظار می‌رود که علاوه بر موارد مذکور چالش های مرتبط با پایگاه داده ها، نرم افزارهای کامپیوتری، قوانین مالیاتی، بیمه، مالک و مستاجر و واردات و صادرات و غیره نیز مدیریت نمایند در حالیکه همگان روی این موضوع توافق دارند که ایشان در رابطه با موارد اخیر به اندازه کافی در دانشگاه آموزش ندیده اند. پژوهش حاضر نیز در این رابطه در پی شناسایی و مستندسازی دیدگاههای گروههای مختلف دانشگاهی و شاغلین حرفه در رابطه با عمده فاکتورهایی می باشد که موجب به وجود آمدن شکاف بین نیازهای بازار کار حسابداری و آموزش های دانشگاهی شده است و در چه حوزه های از مهارت های آموزش حسابداری ناکافی بوده و روی کدامیک باید بیشتر تاکید شود. نتایج آزمون t حاکی از نارضایتی پاسخ دهندگان درباره چهار حوزه از پنج حوزه مورد بررسی می باشد. تحقیقات بیشتر با کمک آزمون کرسکال والیس فاش ساخت که دامنه نارضایتی از موارد مذکور وزن و درجه اهمیت یکسانی ندارند و در ادامه نتایج آزمون رتبه ای فریدمن نشان داد که پاسخ‌دهندگان به ترتیب از وضعیت کنونی عدم توجه کافی به آشنایی دانشجویان با ابزارهای تکنولوژی اطلاعاتی و همچنین کم توجهی به آموزش کافی عمده موارد قانونی مورد نیاز دنیای عمل و همچنین نداشتن مهارت عملی کافی دانشجویان در مقایسه با مواردی همچون عدم انتقال کافی مفاهیم و آموزش های اخلاقی به دانشجویان و عدم انطباق مطالب آموزشی با استانداردهای حسابداری، شکایت بیشتری داشتند که این در انطباق با تحقیقات قبلی آلبرشت و ساک (۲۰۰۱) است که عنوان کردند زمان برای تغییر در آموزش حسابداری برای اینکه « فقط بهتر شود» گذشته است، آموزش حسابداری در ساختار جاری که ارائه می شود دور افتاده و ناقص بوده و نیاز به اصلاحات اساسی دارد، محتوای دروس حسابداری باید بر اساس تقاضای بازار، نه بر اساس علایق دانشگاه تعیین شود. هدف علم حسابداری آموزش حسابداری نیست، بلکه آموزش دانشجویانی است که حسابدار شوند. در این باره نتیجه تحقیق قبلی اعتمادی و فخاری (۱۳۸۳) نیز حاکی از آن بود که تخصصی نبودن آموزش ها باعث شده تا نظام آموزشی نیروی انسانی را تربیت نماید که فاقد مهارتها و توانائیهای حرفه ای مناسب باشد.

منابع و ماخذ :

اعتمادی، حسین و حسین فخاری (۱۳۸۳)، تبیین نیازها و اولویت های تحقیقاتی حسابداری، ارائه الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۵، سال یازدهم، صص ۲۷-۳.

ثقفی، علی و عادل محمد زاده و رمضانعلی رویایی (۱۳۷۱)، اعتلای آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد: بررسی مورد ایران، فصلنامه حسابداری، شماره ۲.

رهنمای رودپشتی، فریدون، وکیلی فرد، حمیدرضا و رئیس زاده، سید محمدرضا (۱۳۹۰) تعیین اولویت ها و نیازهای آموزشی محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه، شاغلین در حرفه و ارایه الگویی موثر، تحقیقات حسابداری.

سنایی، محمد (۱۳۸۵)، تجزیه و تحلیل وضعیت آموزشی دانشگاه های آزاد اسلامی گیلان و مازندران در ارتباط با نیازهای آموزش عالی کشور، طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، معاونت پژوهشی.

عرب مازار یزدی، محمد، حجت ثابتی و علی گلی (۱۳۸۶)، آموزش حسابداری در عصر فناوری و ارتباطات، مجله حسابدار، شماره ۱۹۰، صص ۳۱-۲۶.

مجتهدزاده ویدا (۱۳۸۰)، بررسی برنامه آموزشی حسابداری در دانشگاههای ایران در مقطع کارشناسی: دیدگاههای شاغلین در حرفه حسابداری، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س) شماره ۳۷ و ۳۸.

مشایخی، بیتا و ایرج نوروش (۱۳۸۴)، نیازها و اولویت های آموزشی حسابداری مدیریت: فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۱، سال دوازدهم، صص ۱۶۱-۱۳۳.

نوروش، ایرج (۱۳۸۲) بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۴۲-۲۱.

Albrecht, S. V. & Sack, RJ., (۲۰۰۰), Accounting Education: Charting the Course Through a Perilous Future, American Accounting Association, Vol. ۱٦.

Albrecht, S. V. & Sack, RJ., (۲۰۰۱), The Perilous future of accounting education, The CPA Journal, No. ۷۱(۳), pp. ۱٦-۲۳.

Caliyurt , K. T. (۲۰۰٤), Accounting Ethics Education in Turkish Public Universities, Social Responsibility Journal, Vol. ۳.Pp.۷٤-۸۰. Number ٤.

Gene, L., Smith (۲۰۰٦), Determining differences in the preferred undergraduate accounting curriculum among students, practitioners and educators, Ph.D. thesis, North Central University, Arizona.

Karr, s. (۲۰۰۵), Is Accounting Education Relevant? Many are Questioning the Quality- not to Mention the Quantity- of Accounting Graduates and their Abilities to Handle the on Slough of Complex Transactions and Technical Regulations. Are the Schools- and the Students- Preparing for Accounting in the Real word?, Financial Executive, ۲۱, PP. ٤۰-٤۲.

Knight & Zook, (۱۹۸۲), Controllers evaluate relevance of education topics, Management Accounting No. ۷.

Kramer Peterson, B. k., Johnson, C. W., Crain, G. W. & Miller S. J., (۲۰۰۵), The practitioner- professor Link, Journal of Accountancy, No. ۱۹۹(٦), pp. ۷۷-۸۰.

McPail, K. (۱۹۹۹) The threat of ethical accountants: an application of Foucalt's concept of ethics to accounting education and some thoughts on ethically educating for the other. Critical Perspectives on Accounting, (۱۰): pp. ۸۳۳-٦٦.

Mohamed, E. K. A. & Lashine, S. H. (۲۰۰۳), Accounting knowledge and skills and the challenges of a global business environment, Managerial Finance ۲۹, pp. ۳-۱۷.

Nearon, B. (۲۰۰۲), A professional arugues for higher education standards, The CPA Journal ۷۳(۱), pp. ۱۷-۲۲.

Novin, Pearson & Sedge (۱۹۹۰), Improving the curriculum for aspiring management accountants: The practitioner's point of views, Journal of Accounting Education, No. ۸.

Renner, C. & Tanner, M., (۲۰۰۱), Educating future accountants: Alternatives for meeting the ISO- hour requirement, Journal of Education for business, No. ۷٦(۳), pp. ۱۳۲-۱۳۷.

Selvi, Y. (۲۰۰۰) Ahlak Kurallari ve Muhasebe Etigine Etkileri. Muhasebe ve Finansman Dergisi, (۸): pp. ٦۰-۷۱.

Siegel, G., & Kulesza, C., (١٩٩٥), Are accounting students ready for corporate America? Special Report, Management Accounting, No. ٧٦, pp. ١٩-٥٠.

Siegels & Sorenson, (١٩٩٤), What corporate America wants in entry level accountants?, Management Accounting, No. ٧٦(٣).

Sultanoglu, B. et al. (٢٠٠٧) Lisans ve Yuksek Lisans Isletme Programlarinda Muhasebe Dersleri – Yeniden Ele Alis, ٢٦th Turkiye Muhasebe Egitimi Sempozyumu, ٢٣-٢٧ Mayis, Antalya, pp. ٢٢١-٤١.